

خبر

ترکیه همچنان با آتش بس قره‌باغ مخالفت می‌کند

پهادهای اسرائیلی در صحنه جنگ

● درگیری‌های هفته اخیر بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان شدیدترین مورد از درگیری بین دو طرف در چند دهه اخیر بوده و تاکنون چندصد قربانی به‌جا گذاشته است. به گزارش دویچه‌وله، موضع‌گیری رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، علاوه بر تشدید اختلاف بین کشورهای عضو ناتو، احتمال تبدیل‌شدن درگیری‌های ناگورنو-قره‌باغ به یک بحران گسترده منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. اردوغان در سخنرانی خود در بیمارستانی واقع در مرکز شهر قونیه گفت جنگ تا خروج کامل قره‌باغ از اشغال ارمنستان ادامه خواهد یافت. اردوغان مدعی شد ارمنستان با دست‌زدن به یک گشتار وسیع، کنترل بر منطقه قره‌باغ را به چنگ آورده و جنگ تا پایان اشغال این منطقه و حل بحران قره‌باغ ادامه خواهد یافت.

این در حالی است که روسیه علاوه بر صادرکننده اصلی تسلیحات به ارمنستان و جمهوری آذربایجان، در خاک ارمنستان پایگاه نظامی دارد و یکی از متحدان آن کشور تلقی می‌شود. در مقابل، ترکیه یکی از متحدان اصلی جمهوری آذربایجان بوده و در روزهای اخیر با صدور بیانیه‌های متعدد، از این کشور در ادامه نبرد با ارمنستان حمایت کرده است. براساس اخبار منتشرشده ازسوی خبرگزاری‌ها، تاکنون دست‌کم ۳۰۰ نفر در جریان درگیری‌های بین آذربایجان و ارمنستان جان خود را از دست داده‌اند. همین گزارش‌ها حکایت از آن دارد که حداقل ۳۳ غیرنظامی نیز در ران روبرویی نظامی، در یک هفته گذشته کشته شده‌اند.

اختلاف ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه ناگورنو-قره‌باغ از زمان فروپاشی اتحاد شوروی آغاز شد و در جنگ‌های شدید بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در این منطقه بیش از ۳۰ هزار نفر کشته شدند. این منطقه که اکثر جمعیت آن ارمنی‌تبار هستند، یک بخش مستقل در داخل قلمرو جمهوری آذربایجان است، ولی استقلال آن هیچ‌گاه ازسوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است.

در همین حال، رئیس‌جمهوری آذربایجان در مصاحبه با شبکه خبری الجزیره، ارمنستان را مسئول تشدید تنش در منطقه قره‌باغ و تداوم درگیری‌ها در این منطقه دانست و این کشور را به تلاش برای حفظ مناطقی متهم کرد که قبلاً اشغال کرده است. او گفت دلیل اصلی وقوع درگیری این است که ارمنستان خواستار صلح نیست؛ چراکه می‌خواهد مناطقی را که به اشغال خود درآورده است، تا همیشه تحت کنترل خود نگه دارد و نمی‌خواهد اوضاع تغییر پیدا کند. ارمنستان باید حسن‌نیت خود را با احترام گذاشتن به قطع‌نامه‌های بین‌المللی نشان دهد. علی‌اف افزود: در سال ۱۹۹۳ ارمنستان قره‌باغ را اشغال کرد و شورای امنیت با صدور چهار بیانیه، خواستار عقب‌نشینی سریع و بی‌قیدوشرط نیروهای ارمنستان از این منطقه شد. گروه مینسک نیز برای تسهیل در اجرای این قطع‌نامه‌ها تأسیس شد. رئیس‌جمهوری آذربایجان به‌شدت اتهام‌زنی ارمنستان به ترکیه مبنی‌بر اینکه آنکارا نیروهای سوری را به آذربایجان فرستاده، تکذیب کرده و گفت این اتهام‌ها دروغ است. این در حالی است که رسانه‌های آنلاین در شمال سوریه، تصویری از شبه‌نظامیان سوری کشته‌شده در قره‌باغ را منتشر کرده‌اند. همچنین خبرگزاری فرانسه گزارش داد خویشاوندان سه نفر از شبه‌نظامیان سوری که در درگیری‌های قره‌باغ کشته شده‌اند، خبر حضور این نیروها در نزاعات بین ارمنستان و آذربایجان را تأیید کرده‌اند.

وزارت خارجه ارمنستان روز جمعه آمادگی خود را برای آغاز مذاکرات آتش‌بس در قره‌باغ با نظارت گروه مینسک وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام و از درخواست رؤسای جمهوری روسیه، آمریکا و فرانسه برای برقراری آتش‌بس در این منطقه استقبال کرد. روز گذشته هم رئیس‌جمهوری فرانسه در بیانیه‌ای اعلام کرد در تماسی تلفنی با نخست‌وزیر ارمنستان و رئیس‌جمهوری آذربایجان، درباره اوضاع پیش‌آمده در ناگورنو-قره‌باغ، روش جدیدی را برای ازسرگیری گفت‌وگوها در چارچوب گروه مینسک پیشنهاد کرده است.

استفاده از پهپادهای انتحاری

از سوی دیگر، وب‌سایت اکسیوس با انتشار گزارشی نوشت: حکمت حاجی‌اف، مشاور امور بین‌المللی الهام علی‌اف، با تأیید استفاده ارتش این کشور از پهپادهای انتحاری هاروپ گفت: «مهندسان اسرائیلی باید برای چنین تولیدی به خود افتخار کنند». حدود ۶۰ درصد تسلیحات ارتش آذربایجان، محصول اسرائیل است. در مقابل، آذربایجان سه‌م بزرگی در تأمین نفت اسرائیل دارد. در روزهای گذشته انتشار تصاویر انهدام ادوات جنگی ارتش ارمنستان و کشتار سربازان این کشور با استفاده از پهپاد، عملاً به یکی از ابزار تبلیغات سیاسی-نظامی جمهوری آذربایجان تبدیل شده است.

اما اسرائیل با وجود روابط بسیار نزدیک نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک با آذربایجان هرگز درباره جنگ اخیر در منطقه قره‌باغ موضعی اتخاذ نکرده است. به گزارش تایمز اسرائیل، حاجی‌اف درباره این «انفعال دیپلماتیک» گفت: «آذربایجان و اسرائیل به‌خوبی شرایط را درک می‌کنند».

ابتلای رئیس‌جمهوری ایالات متحده به ویروس کرونا حفره بزرگ در قانون اساسی ایالات متحده را دوباره نمایان کرد. کاخ سفید اعلام کرده‌که «دونالد ترامپ» مسئولیت‌های خود را از سؤنیت محل اقامت خود در بیمارستان «والتر رید» انجم می‌دهد و هیچ‌کدام از سیاست‌مداران حامی او حاضر نیستند درباره احتمال وخامت وضعیت جسمانی یا مرگ ترامپ صحبت کنند. همچنین درحالی‌که فقط یک‌ماه به انتخابات ریاست‌جمهوری باقی مانده و با وجود اطمینان نداشتن به روزهای پیش‌رو، کمین انتخاباتی و توانایی ترامپ در انجام درست مسئولیت‌هایش افزایش یافته است، قانون اساسی آمریکا نیز حفره‌هایی درباره بیماری یا مرگ رئیس‌جمهور و وضعیت بعد از آن دارد که با وجود هشدارهای قبلی، اصلاح نشده و دوباره مورد توجه قرار گرفته است. البته بیماری رئیس‌جمهور و بانوی اول آمریکا به‌تنهایی امری بی‌سابقه نیست. در اوایل دهه ۱۹۹۰، «جورج بوش»، رئیس‌جمهور وقت و «باربارا بوش»، همسرش، هم‌زمان با یک اختلال خودایمنی مواجه شدند، اما این بیماری قابل درمان بود و هر دو عمر بسیار طولانی‌ای داشتند. «رونالد ریگان»، دیگر رئیس‌جمهور آمریکا و «نانسی ریگان» نیز هر دو در زمان حضور در کاخ سفید به سرطان مبتلا شدند. اما متمم بیست‌ونجم قانون اساسی آمریکا درباره جانشینی رئیس‌جمهور آمده است که در صورت عدم توانایی در انجام مسئولیت‌ها و یا مرگ، ابتدا معاون رئیس‌جمهوری مسئولیت‌هایش را بر عهده می‌گیرد و پس از آن هم رئیس مجلس نمایندگان.

قانونی برای جنگ سرد

این متمم اساسی در تجربه کردند و در آن زمان واقعا دورانی که هر لحظه خطر وقوع جنگ هسته‌ای میان ایالات‌متحده و اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت و واشنگتن باید می‌دانست که در صورت وقوع هر اتفاقی برای رئیس‌جمهوری چه کسی فایسته‌ترین فرد برای جانشینی اوست. تا زمان تصویب آن در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، ترتیب جانشینان رئیس‌جمهوری با نامه‌های سری و تغییرات گیج‌کننده در قوانین نگره جابه‌جا می‌شد. حتی وقتی بنیان‌گذاران آمریکا به بحث درباره جانشینی رئیس‌جمهوری نشستند، بحث آنها اصلا آکادمیک نبود. در دورانی که زندگی روزمره بسیار نامشخص‌تر، ناپایدارتر و پرخطرتر از امروز بود و بیماری‌های مسری مرگبار درمانی نداشتند، میزان مرگ در میان سیاستمداران آمریکایی هم زیاد بود. فرمانداران دوران استعمار نرخ مرگ‌ومیر بالایی داشتند و تقریباً یک‌سوم آنها در سمت خود جان باختند. فرماندار «موریس» از سنسیلوانیا در ابتدا خواستار تعیین رئیس دیوان عالی به‌عنوان جانشین رئیس‌جمهوری شد و دیگران خواستار تعیین رئیس سنا یا این سمت شدند اما هر دو پیشنهاد به‌طور نامناسبی شاخه‌های مختلف حکومت را در هم ادغام می‌کرد و استقلال قوا از بین می‌رفت. وارث قوه مجریه باید از همان قوه مجریه باشد. بنابراین یک پیشنهاد دیرنگام برای ایجاد سمت «معاون رئیس‌جمهور» ارائه شد که به همان شیوه رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و به‌عنوان رئیس مجلس سنا هم فعالیت می‌کند. به مدت یک قرن قانون اساسی برای جانشینی رئیس‌جمهور،

ابتدا معاون رئیس‌جمهور و سپس رئیس مجلس و رئیس موقت مجلس سنا (فردی که در غیاب معاون رئیس‌جمهور در جایگاه رئیس سنا حضور خواهد یافت و امضای قوانین و صدور سوگندنامه برای سناتورهای جدید از جمله مسئولیت‌هایش محسوب می‌شود) را در نظر گرفته بود. در این دوره چهار رئیس‌جمهور و تاکنون سابقه نداشته که سلامتی زوج ساکن کاخ سفید از سوی یک بیماری تهدید شود که به‌سرعت می‌تواند جان مبتلایان را بگیرد و هیچ درمانی هم نداشته باشد. در متمم بیست‌ونجم قانون اساسی آمریکا درباره جانشینی رئیس‌جمهور آمده است که در صورت عدم توانایی در انجام مسئولیت‌ها و یا مرگ، ابتدا معاون رئیس‌جمهوری مسئولیت‌هایش را بر عهده می‌گیرد و پس از آن هم بدون معاون رئیس‌جمهوری بوده است. هفت نفر از رئیس‌جمهور اول در زمان تصدی سمت دورهای قانونی و بیماری را تجربه کردند و در آن زمان واقعا دورانی که هر لحظه خطر وقوع جنگ هسته‌ای میان ایالات‌متحده و اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت و واشنگتن باید می‌دانست که در صورت وقوع هر اتفاقی برای رئیس‌جمهوری چه کسی فایسته‌ترین فرد برای جانشینی اوست. تا زمان تصویب آن در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، ترتیب جانشینان رئیس‌جمهوری با نامه‌های سری و تغییرات گیج‌کننده در قوانین نگره جابه‌جا می‌شد. حتی وقتی بنیان‌گذاران آمریکا به بحث درباره جانشینی رئیس‌جمهوری نشستند، بحث آنها اصلا آکادمیک نبود. در دورانی که زندگی روزمره بسیار نامشخص‌تر، ناپایدارتر و پرخطرتر از امروز بود و بیماری‌های مسری مرگبار درمانی نداشتند، میزان مرگ در میان سیاستمداران آمریکایی هم زیاد بود. فرمانداران دوران استعمار نرخ مرگ‌ومیر بالایی داشتند و تقریباً یک‌سوم آنها در سمت خود جان باختند. فرماندار «موریس» از سنسیلوانیا در ابتدا خواستار تعیین رئیس دیوان عالی به‌عنوان جانشین رئیس‌جمهوری شد و دیگران خواستار تعیین رئیس سنا یا این سمت شدند اما هر دو پیشنهاد به‌طور نامناسبی شاخه‌های مختلف حکومت را در هم ادغام می‌کرد و استقلال قوا از بین می‌رفت. وارث قوه مجریه باید از همان قوه مجریه باشد. بنابراین یک پیشنهاد دیرنگام برای ایجاد سمت «معاون رئیس‌جمهور» ارائه شد که به همان شیوه رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و به‌عنوان رئیس مجلس سنا هم فعالیت می‌کند. به مدت یک قرن قانون اساسی برای جانشینی رئیس‌جمهور،

جهان

ابتلای ترامپ به کرونا حفره قانونی در قانون ایالات متحده را نمایان تر کرد

سرنوشت مبهم انتخابات نوامبر



اکثریت انتخاب کنند. بنابراین اگر نامزدی قبل از برگزاری انتخابات یا پس از آن و قبل از نشست کالج الکترال در اولین چهارشنبه دسامبر سال برگزاری انتخابات فوت کند، حزب او براساس قوانین فدرالی و ایالتی جانشین را مشخص خواهد کرد. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت گفت که ال‌اما زوج انتخاباتی یا معاون منتخب، جانشین نامزد ریاست‌جمهوری خواهد شد. البته این روند در حزب دموکرات کمی متفاوت است و این کار از ازسوی کمیته ملی دموکراتیک انجام می‌شود.اما اگر نامزد پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پس از آرای کالج الکترال و قبل از مراسم سوگند یعنی ۲۰ژانویه سال بعد از انتخابات فوت کند، طبق تفسیر از متمم ۲۵ قانون اساسی تمام مسئولیت او به معاونش سپرده می‌شود.

درگذشت یا استعفا

قانون اساسی در مواردی که رئیس‌جمهوری می‌میرد یا از سمت خود استعفا دهد، کاملاً صراحت دارد. در اصلاحیه بیست‌ونجم قانون اساسی آمریکا آمده است: «در صورت برکناری یا استعفای رئیس‌جمهور از سمت خود یا مرگ او،معاون رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهور می‌شود». چنین اتفاقی در تاریخ ایالات‌متحده چندان نادر نبوده است.حک رئیس‌جمهور بعدلایل مرگ یا برکناری و استعفای رئیس‌جمهور، هشت بار مسئولیت بالاترین مقام اجرایی آمریکا را بر عهده گرفت. سال ۱۹۶۳ بود که پس از ترور «جان اف کندی»، «لیندون جانسون»، رئیس‌جمهوری شد. در سال ۱۹۷۴ هم «جرالد فورد»، معاون رئیس‌جمهور پس از استعفای «ریچارد نیکسون»، رئیس‌جمهور شد. در صورت مرگ معاون رئیس‌جمهوری یا ناتوانی او در انجام مسئولیت، قانون اساسی اختیار تصمیم را به کنگره محول کرده است. براساس قانون جانشینی ریاست‌جمهوری که پس از مرگ رئیس‌جمهور «فرانکلین روزولت» و در سال ۱۹۲۷ تصویب شد و در سال ۲۰۰۶ دوباره اصلاح شد، رئیس مجلس نمایندگان در ردف بعدی است و پس از آن‌هم رئیس موقت سنا و سپس اعضای کابینه با اولویت وزیر خارجه.

ناتوانی در انجام مسئولیت

بر اساس متمم بیست‌ونجم که در دهه ۱۹۶۰ تصویب شد، رئیس‌جمهور در صورت بیماری جدی یا ناتوانی در انجام وظایف خود می‌تواند به‌طور اطلابانه اختیاراتی را برای معاون رئیس‌جمهور تعیین کند. اگر

ترامپ به‌شدت بیمار شود، می‌تواند نامه‌هایی به رئیس مجلس نمایندگان و رئیس موقت مجلس سنا برای انتقال اختیارات خود به مایک پنس ارسال کند که درواقع، از آن پس، پنس به‌عنوان رئیس‌جمهوری فعالیت خواهد کرد اما ترامپ در صورت بهبودی می‌تواند اختیارات کامل خود را پس بگیرد. از زمان تصویب این اصلاحیه در سال ۱۹۶۷، معاون رئیس‌جمهوری فقط در سه مورد قدرت را به دست گرفته است که هر سه بسیار کوتاه بوده است. در سال ۱۹۸۵، هنگامی که رونالد ریگان تحت عمل جراحی روده بزرگ قرار می‌گرفت، حدود هشت ساعت اختیارات خود را به جورج بوش معاونش اعطا کرد. در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ هم جورج دبلیو بوش در زمان انجام کلونوسکوپی اختیارات خود را به‌طور موقت به «دیگ چنی» معاونش محول کرد.

جایگزینی خلاف اراده رئیس‌جمهوری

متمم ۲۵ قانون اساسی همچنین در صورت ناتوانی رئیس‌جمهوری در انجام مسئولیت و امتناع او از واگذاری اختیاراتش، امکان برکناری اجباری رئیس‌جمهوری را فراهم کرده است. «وودرو ویلسون» پس از سکنه مغزی در سال ۱۹۱۹، باقی‌مانده دوره ریاست‌جمهوری خود را با نابینایی و ناتوانی حرکتی سیری کرد اما اختیاراتش به معاون او واگذار شد. این اصلاحیه به معاون رئیس‌جمهوری، با همکاری کابینه یا گروهی که کنگره تعیین کرده، اختیاراتی برای حل چالش اعطا می‌کند. اگر اکثریت هر یک از این گروه‌ها به مجلس نمایندگان در سال ۱۹۱۹، باقی‌مانده دوره ریاست‌جمهوری خود را به سنا اطلاع دهند که رئیس‌جمهوری «قادر به انجام مسئولیت و وظایف خود نیست»، «معاون رئیس‌جمهور بلافاصله اختیارات و وظایف او را به‌عنوان سرپرست ریاست‌جمهوری بر عهده می‌گیرد». در صورت بروز اختلاف میان رئیس‌جمهوری و گروهی که اختیاراتش را سلب کرده، این موضوع به کنگره سپرده می‌شود و دوسوم نمایندگان مجلس و سنا برای سلب قدرت از رئیس‌جمهور منتخب باید توافق کنند.

ناتوانی از حضور در انتخابات

اینجاست که چالش اصلی نمایان می‌شود: در این سناریو ابتدا کمیته ملی جمهوری‌خواهان باید نامزد جدیدی تعیین کند تا آنجا که در بسیاری از ایالت‌ها قبلاً چاپ، ارسال نامه و پذیرش آرا را آغاز کرده‌اند و برخی از آنها حتی رأی‌گیری حضوری را آغاز کرده‌اند، به‌عید به نظر می‌رسد که فرصتی برای تعیین نامزد جدید وجود داشته باشد. سپس تصمیم‌گیری درباره نحوه اقدام بر عهده تکتک ایالت‌ها خواهد بود و اکثر ایالت‌ها برای این وضعیت قوانینی تعیین نکرده‌اند. اگر ترامپ پیروز انتخابات می‌شد اما قادر به انجام حضور در ریاست‌جمهوری نبود، این سؤال حتی پیچیده‌تر می‌شد. برخی ایالت‌ها رأی‌دهندگان الکترال را ملزم و متعهد کرده‌اند که به نامزد پیروز در ایالت رأی دهند اما در بیشتر ایالات‌ها چنین الزامی وجود ندارد. در این مرحله کار به کنگره که رأی‌های الکترال را تأیید می‌کند خواهد کشید و درنهایت دادگاه و دیوان عالی حرف آخر را می‌زنند. «پچارد ال. هاس»، استاد حقوق در دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید: «این یک سؤال جدی است که هر ایالت برای آنچه در این سناریو اتفاق می‌افتد، قانونی دارد یا خیر؟ بسیاری از قوانین ایالتی هیچ پیش‌بینی‌ای در این مورد نکرده‌اند. بنابراین هیچ تصویری از اینکه در صورت بروز چنین مشکلی چه راهی باید در پیش گرفته شود، وجود ندارد».

روزنه

بایدن روابط آمریکا با سعودی‌ها را باز یابی می‌کند

● در دومین سالگرد قتل جمال خاشقجی نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا به ارزیابی مجدد روابط واشنگتن با عربستان سعودی متعهد شد. به گزارش ایسنا، به نقل از میدل ایست آی، جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، در بیانیه‌ای ضمن حمایت از مخالفان سعودی گفت: محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، مسئول قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی و ستون‌نویس واشنگتن‌پست است. او افزود: دو سال پیش، مأموران مخفی سعودی که ظاهراً تحت فرمان محمد بن‌سلمان قرار داشتند، جمال خاشقجی، منتقد سعودی، روزنامه‌نگار و ساکن آمریکا را به قتل رسانده و جسد او را تکه‌تکه کردند. بایدن اظهار کرد: جرم خاشقجی که او بهای آن را با جانش پرداخت، تنها انتقادکردن از سیاست‌های دولت‌کشورش بود. او گفت: امروز من برای عزاداری به خاطر مرگ خاشقجی به جمع گم‌گشتن‌زان و مردان شجاع سعودی، فعالان، روزنامه‌نگاران و جامعه بین‌المللی می‌روم و درخواست او از مردم سراسر جهان برای استفاده از حقوق جهانی آزادی‌شان را منعکس می‌کنم.

خاشقجی که در ویرجینیا زندگی می‌کرد و مقاله‌نویس روزنامه واشنگتن‌پست و میدل‌ایست‌آی بود، به دست مأموران دولت ریاض در کنسولگری ریاض در استانبول کشته و سگدش تکه‌تکه شد. دولت ریاض ابتدا تأکید داشت که خاشقجی ساختمان کنسولگری را زنده ترک کرده است؛ اما سپس به کشتن او اذعان کرد. آنها همچنان این قتل را به‌عنوان عملیات شنجعی که بدون تأیید یا ادعای مقامات ارشد سعودی رخ داده، جلوه می‌دهند. بااین‌حال در واشنگتن این ترور خشم مردم علیه حاکمان سعودی به‌ویژه محمد بن‌سلمان را برانگیخت. سازمان سیا به این نتیجه رسید که ولیعهد سعودی مسئول این قتل بوده است. باوجوداین دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، همچنان یکی از مدافعان سفت و سخت آل‌سعود محسوب می‌شود. بایدن درست برعکس ترامپ خواستار اجرای عدالت در پرونده این روزنامه‌نگار متقد شده است. او افزود: ما به حمایت جو بایدن-کاملاً هریس روابط کشورمان با عربستان را مجدداً ارزیابی خواهیم کرد، به حمایت آمریکا از جنگ ریاض در ین‌پایان خواهیم داد و مطمئن خواهیم شد که آمریکا به خاطر فروش سلاح یا خرید نفت ارزش‌هایش را زیر پا نخواهد گذاشت. بایدن تأکید کرد: تعهد آمریکا به ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر حتی در رابطه با نزدیک‌ترین شرکای امنیتی‌مان، در اولویت قرار خواهد داشت. او افزود: من از حق فعالان، مخالفان سیاسی و روزنامه‌نگاران سراسر جهان دفاع خواهم کرد تا آنها بتوانند آزادانه و بدون ترس از تحت پیگرد قرارگرفتن و شهنوت، افکار خود را ابراز کنند. هر چه جمال خاشقجی بپهوه و بی‌نتیجه نخواهد بود و ما این را به یاد و خاطره او در مبارزه برای جهانی آزادتر و عادلانه‌تر مدیون خواهیم بود.

ادامه از صفحه ۶

حقیقی و حقیقت حضور انکارناپذیرش

در کنار چنین فعالیت‌هایی او مراودات جدی هم با دیگر هنرمندان و اندیشمندان در حوزه‌های دیگر داشته و حاصل این آدم‌خوری‌ها به او در خلق هنری بسیار کمک کرده است. علاوه بر آنچه گفته شد کار و تولید زیاد را نیز باید ملک حقیقی‌شدن امروز او لحاظ کرد. اتفاقی که باز در نصب مجسمه از او هم دیده شده است. اگر شاملو در شعر و ادبیات با روزی ۱۶ ساعت کار روزانه به قول گلشیری می‌شود آنچه ما امروز از شاملو به یاد داریم، حقیقی هم با لحاظکردن انتقاداتی که به کارهایش روا می‌شود و رواه همست، نشان می‌دهد هر کسی که کارنامه‌ای دارد نیز می‌شود، تلاش مستمر و سختی‌ناپذیرش از او حقیقی امروز را ساخته است. این تلاش به این معنی نیست که آرستیتی همچون کارخانه تولید داشته باشد و به خلایقت و حفظ اصول مشخصه خود دقت نکند. بلکه به این معنی است که از تجربه‌اندوزی و کار پشت کار دست نبردارد. زیرا تولید انبوه نیز آفت‌های دارد که گرافیکست‌های استخوان‌دار مثل حقیقی نیز گاهی بدان دچار شده و از آن ضربه خورده‌اند.

حقیقی از نخستین پوسترهایش در سال ۱۳۴۸ برای نمایش‌های هنفکسی «تلاش فیلم» احمد جورقانیان تا امروز که بیش از نیم‌قرن می‌گذرد، توانسته به اصطلاح خد عمیق و اثر جدی خود را بر تن هنر معاصر ایران آتچنان بگذارد که بی‌ذکر نام او نتوان این زمانه و هنر معاصر را بیان کرد. حقیقتی که در هر بررسی منصفانه هنر معاصر ایران و توسط هنر منتقد و پژوهشگری غیر قابل انکار خواهد بود، باز می‌گویم با وجود تمام انتقادات گاه و بی‌گاهی که به کارهای او و کارنامه کاری‌اش روا شده و می‌شود و گاهی هم وارد است، این را باید پذیرفت و تمرین کرد که هیچ هنرمند کاملی وجود ندارد و همه در عین داشتن نقاط برجسته و آموختنی، نقاط ضعف و البته کارهای ضعیفی هم دارند. به قول شبیلر، فیلسوف و شاعر آلمانی، «زندگی سراسر اشتباه من، بهتر از زندگی کسانی است که هیچ‌کاری در زندگی‌شان نکرده‌اند».